

الله  
البرهان  
الحسين



جامعة تربيت مدرس

كلية الآداب و العلوم الانسانية

بحث مقدم لنيل درجة الماجستير في الأدب العربي

صورة الحب في شعر أدونيس

إعداد الطالب:  
كاوه خضري

الأستاذة المشرفة:  
الدكتورة كبرى روشنفكر

الأستاذ المشرف المساعد:  
الدكتور خليل پرويني

صيف ٩٢

باسمه تعالی



تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیات داوران نسخه نهایی پایان خانم / آقای کاوه خضری تحت عنوان: **صوره الحب فی شعر أدونیس** را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تائید می کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	استادیار	دکتر کبری روشنفکر	۱- استاد راهنما
	دانشیار	دکتر خلیل پروینی	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر هادی نظری منظم	۳- استاد ناظر (داخلی)
	استادیار	دکتر رجاء ابو علی	۴- استاد ناظر (خارجی)
	استادیار	هادی نظری منظم	۵- نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

## آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگران همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت فرمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آن‌ها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدیدآورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله می‌باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم‌افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده‌ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده‌ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و بر اساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۰۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۰۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۰۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم الاجرا است.

«اینجانب کاوه خضری دانشجوی رشته زبان و ادبیات عربی ورودی سال تحصیلی ۱۳۹۰ مقطع کارشناسی ارشد دانشکده علوم انسانی متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آیین نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آیین نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هرگونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله براساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هرگونه اعتراض را از خود سلب نمودم».

نام و نام خانوادگی: کاوه خضری

امضاء:

## آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

- نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:
- ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.
- ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:
- «کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته زبان و ادبیات عربی است که در سال ۱۳۹۲ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم دکتر کبری روشنفکر، مشاوره جناب آقای دکتر خلیل پروینی از آن دفاع شده است.»
- ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.
- ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.
- ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.
- ماده ۶: اینجانب کاوه خضری دانشجوی رشته ادبیات عربی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: کاوه خضری

تاریخ و امضا:

الإهداء:

إلى روح الشاعر الكردي الكبير

شیركو بیکه س

## الشكر والتقدير

من لم يشكر المخلوق، لم يشكر الخالق، و أمّا بعد:

بداية أشكر قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة تربيت مدرس، و أخصُّ بالشكر رئيس القسم و بقية الأساتذة الفضلاء الذين قاموا بتعليمي خلال فترة الدراسة المنهجية، على ما بذلوه و قدموه لي و لزملائي طلاب الدراسات العليا، فلهم مني كلّ الشكر و الثناء، و صادق الود و الدعاء.

كما أجد من واجبي في هذا المقام أن أتقدّم ببالح الشكر لأستاذتي المشرفة الدكتورة «كبرى روشنفر»، التي كان لها الفضل الكبير في إخراج هذه الرسالة بهذه الصورة، منذ أن كانت فكرة إلى أن أصبحت قضية بحثية.

كما أتقدّم بجزيل شكري، و عظيم امتناني إلى من بذل من وقته الكثير، و كان لي ناصحاً و موجهاً، و لم يتوان لحظة في مدّ يد العون و المساعدة المخلصة، أستاذي المشرف المساعد الدكتور «خليل پرويني».

كما لا يفوتني أن أسجّل شكري و عظيم امتناني للأستاذ الفاضل الدكتور «عيسى متقي زاده» الذي تعلّمت منه كثيراً و اقتطفتُ من حسن معاملته ذخيرة لحياتي.

و اغتنم هذه الفرصة لأتوجه بالشكر و العرفان إلى أختي الكريمة فرشته بهراميان.

## الملخص

قديمًا كان الأدب قد ترعرع في ضوء الحبّ، جسدياً كان أم عذرياً. و الأدب العربي من قديم عهده شهد في ساحته شعراء كانوا يتغنّون بجمال المحبوب و بهائه. و في عصرنا الراهن، مازال الحبُّ هو الكائن الحيّ في روح الأدب، إذ هناك شعراء يستمرون في هذه الطريقة القديمة في قول الشعر أيّ التّغني بجمال المحبوب كما كان الشأن في قديم العهد. و من جملة هؤلاء الشعراء الذين يتغنّون بالحبّ في أدبهم يمكن أن نشير إلى علي أحمد سعيد «أدونيس»، الشاعر الذي سال الحبُّ في شريان شعره.

و من هنا تحاول هذه الدراسة من خلال المنهج الوصفي - التحليلي و في ضوء النقد الهرمينوطيقي أن تدرس قضية الحبّ في شعر أدونيس. قد وصلت الدراسة إلى نتائج أهمّها أنّ مفهوم الحبّ منثور في بنية شعر أدونيس، حيث لا نستطيع أن نتصوّر شعره خالياً من عاطفة الحبّ. لأنّ رسالة الشاعر هي التغيير و الخلود، و الحبُّ وحده المكان الذي لا يأتيه الموت و من هنا فرؤية الشاعر رؤية ممزوجة بعاطفة الحبّ بمختلف ألوانه. من بين الأنواع المختلفة من الحبّ، الحبّ الإلهي و النرجسية و الحبّ الجسدي تكون أكثر وروداً في شعر أدونيس، في حين يأتي في الدرجة التالية الحبّ العفيف و من ثمّ حبّ الوطن. أمّا بالنسبة إلى ميزات شعر أدونيس الفنيّة أثبتّ لنا أنّ الشاعر بوصفه شاعراً حدثياً، يستخدم أدواتاً كالصورة الشعرية، الغموض، الرمز الأسطوري، التكنيك المسرحي و التكرار بصورة وصل فيها إلى ذروة الحذاقة.

**الكلمات الرئيسية:** الشعر العربي الحديث، الحداثة، أدونيس، صورة الحبّ، الميزات الفنية.



## قائمة المحتويات

١	الفصل الأول.....
١	كليات البحث.....
٢	١-١. التمهيد.....
٣	٢-١. مسألة البحث.....
١١	٣-١. أهداف الدراسة.....
١٢	٤-١. أسئلة البحث.....
١٢	٥-١. فروض الدراسة.....
١٢	٦-١. المواد و المنهج المختار للبحث.....
١٨	الفصل الثاني.....
١٨	الدراسات السابقة.....
١٩	١-٢. التمهيد.....
١٩	٢-٢. دراسات حول «أدونيس» في العالم العربي.....
٢٥	٣-٢. دراسات حول «أدونيس» في إيران الإسلامية.....
٢٨	٤-٢. دراسات حول «الحب» في العالم العربي و إيران الإسلامية.....
٣٣	٥-٢. خلاصة و تعقيب.....
٣٥	الفصل الثالث.....
٣٥	المفاهيم و التعاريف.....
٣٦	١-٣. التمهيد.....
٣٧	٢-٣. الحب لغةً.....
٣٩	٣-٣. طبيعة الحب.....
٤٠	١-٣-٣. الحب العفيف.....

- ٤٢.....٢-٣-٣. الحب الجسدي
- ٤٣.....٣-٣-٣. الحب الإلهي
- ٤٧.....٤-٣-٣. النرجسية
- ٥٠.....٥-٣-٣. حب الوطن
- ٥١.....٤-٣. نشأة الحداثة
- ٥٥.....٥-٣. الحداثة في الشعر العربي المعاصر
- ٥٨.....٦-٣. ميزات القصيدة الحديثة
- ٥٩.....الفصل الرابع
- ٥٩.....صورة الحب في شعر أدونيس
- ٦٠.....١-٤. التمهيد
- ٦٢.....٢-٤. سيرة ذاتية لأدونيس
- ٦٤.....١-٢-٤. مراحل الشعرية
- ٦٥.....٢-٢-٤. ثقافته الفكرية
- ٦٥.....٣-٢-٤. أدونيس في ميزان النقد
- ٦٧.....٣-٤. الحب العفيف في شعر أدونيس
- ٦٨.....١-٣-٤. المرأة تعادل الحياة
- ٧٤.....٢-٣-٤. المرأة رائدة المجتمع
- ٧٦.....٣-٣-٤. أنوثة الأسطورة في شعر أدونيس
- ٧٧.....١-٣-٤. أسطورة فينيق
- ٧٩.....٢-٣-٤. عشتار
- ٨٢.....٤-٤. الحب الجسدي في شعر أدونيس
- ٨٤.....١-٤-٤. الجنس عودة إلى الوحدة، و الجنس اكتشاف
- ٨٩.....٢-٤-٤. الزواج الجسدي معاملة مع الموت

- ٩٣.....٣-٤-٤. اللذة الحسية عند أدونيس نوع من الدين
- ٩٦.....٥-٤. **الحبّ الإلهي في شعر أدونيس**
- ١٠١.....١-٥-٤. الحبّ الإلهي في شعر أدونيس و الخلق الشعري
- ١٠٥.....٢-٥-٤. الحبّ الإلهي في شعر أدونيس، طريق الاتحاد بالمطلق و الأبدية
- ١٠٩.....٣-٥-٤. الحب الإلهي في شعر أدونيس، إيمان بالوحدة
- ١١١.....٦-٤. **النرجسية في شعر أدونيس**
- ١١١.....١-٦-٤. حبّ الذات في شعر أدونيس نوع من الكبرياء و الأنانية
- ١١٤.....٢-٦-٤. النرجسية في شعر أدونيس تُعرَضُ من خلال الاتحاد مع الأساطير
- ١١٧.....٣-٦-٤. صوت الـ«أنا»، في شعر أدونيس: إصدارٌ من الشاعر، موجّه إلى التحول
- ١١٩.....٤-٦-٤. النرجسية في شعر أدونيس، ابتكار الحياة و بناؤها
- ١٢٢.....٧-٤. **حبّ الوطن في شعر أدونيس**
- ١٢٤.....١-٧-٤. الفخر بالعروبة
- ١٢٧.....٢-٧-٤. الدعوة إلى العمران
- ١٢٩.....٣-٧-٤. الوطن هو الوطن الأكبر
- ١٣٢.....٨-٤. **الميزات الفنية لشعر أدونيس الحبّي**
- ١٣٣.....١-٨-٤. صورة أدونيس الشعرية
- ١٣٥.....١-٨-٤. الصورة المكثفة في شعر أدونيس الحبّي
- ١٣٥.....٢-٨-٤. الصورة الانتشارية في شعر أدونيس
- ١٣٧.....٣-٨-٤. الصورة الكلية في شعر أدونيس
- ١٣٨.....٤-٨-٤. الصورة التوازنية في شعر أدونيس
- ١٣٩.....٥-٨-٤. الصورة التجريدية في شعر أدونيس
- ١٤٠.....٦-٨-٤. صورة التشبيه التقليدي في شعر أدونيس
- ١٤٢.....٧-٨-٤. الصورة التناقضية في شعر أدونيس

١٤٣	٨-١-٤ الصورة التشخيصية في شعر أدونيس
١٤٤	٨-٢-٤ شعرية الغموض في شعر أدونيس
١٥٣	٨-٣-٤ الرمز الأسطوري في شعر أدونيس
١٦٢	٨-٤-٤ البناء الدرامي و التكنيك المسرحي في شعر أدونيس
١٦٦	٨-٤-١ تعدد الأصوات و الأشخاص في شعر أدونيس
١٦٩	٨-٤-٢ عنصر الحوار في شعر أدونيس
١٧٢	٨-٤-٣ عنصر الكورس (الجوقة) في شعر أدونيس
١٧٤	٨-٥-٤ شعرية التكرار في شعر أدونيس
١٧٥	٨-٥-١ التكرار الإستهلاكي في شعر أدونيس
١٧٦	٨-٥-٢ التكرار الختامي في شعر أدونيس
١٧٧	٨-٥-٣ التكرار المتدرج في شعر أدونيس
١٧٩	٨-٥-٤ التكرار التراكمي في شعر أدونيس
١٨٢	<b>الفصل الخامس</b>
١٨٢	<b>النتائج و الإقتراحات</b>
١٨٣	٥-١. النتائج
١٩٠	٥-٢. الإقتراحات
١٩١	<b>المصادر و المراجع</b>
١٩٩	<b>خلاصة الرسالة باللغة الفارسية</b>
٢١٢	<b>ملخص الرسالة باللغة الإنجليزية</b>

الفصل الأول

كليات البحث

## ١-١. التمهيد

اللهم لك الحمد حمداً يصعد أوله و لا ينفذ آخره، اللهم لك الحمد حمداً تضع لك السماء كنفياً و تسبح لك الأرض و من عليها، اللهم لك الحمد حمداً سرمداً أبداً لا انقطاع له و لا نفاذ و لك ينبغي و إليك ينتهي. و أشهد أن لا إله إلا الله وحده، لا شريك له، ربُّ الأرباب، الذي عنت لقيوميته الوجوه، و خضعت لعظمته الرقاب.

أما بعد

فقد غدا الحب موضوعاً خصباً في الشعر العربي الحديث حيث لا تجد نصاً من النصوص الأدبية إلا و هو يشتمل على ملامح من الحب. من هذا المنطلق، أصبح الحب، الحجر الأساس في بنية الشعر الحديث. و عليه فقد طرقت كلُّ شاعر بما يتناسب مع أفكاره و رؤيته تجاه العالم في موضوع الحب. لأجل هذا، الحديث عن موقف الشاعر الحديث من موضوع الحب في الشعر العربي الحديث يتطلب استحضاراً لنصوص شعرية تبرز موقف الشاعر من موضوع الحب في شعره.

و في الأدب العربي الحديث هناك شعراء معروفون بهذه الصبغة الحبية في أشعارهم. من بين هؤلاء الشعراء يختلف رؤية علي أحمد سعيد «أدونيس» عن الآخرين بالنسبة إلى قضية الحب. فهو من جملة هؤلاء الشعراء الذين لا يتوقفون بالحب في حدِّ الأغراض المادية و الجسدية بل

انتمائهم إلى الحداثة و ما بعد الحداثة يسمح للمتلقي أن يطرق سبيلاً جديداً في قراءة شعره. و من هذا المنظار يستحق موضوع الحبّ للبحث في شعره.

تنقسم الرسالة إلى القسمين:

في القسم الأول قسّمنا الحبّ إلى خمسة أقسام: الحبّ العذري، الحبّ الجسدي، الحبّ الإلهي، النرجسية، حبّ الوطن. و على أساس هذا التقسيم قمنا بدراسة مفهوم الحبّ في شعر أدونيس حيث بحثنا عن مصاديق تلك الأنواع الخمسة في ديوان الشاعر و على أساس هذه المصاديق أشرنا إلى أهم الخطوط الفكرية الأدونيسية حول الحبّ.

القسم الثاني من الدراسة مختصّ بدراسة ميزات شعر أدونيس الفنيّة. قسّمنا هذا القسم على أساس مؤلفات الحداثة إلى خمسة أقسام: الصورة الشعرية، الغموض، الرمز الأسطوري، الدراما و التكنيك المسرحي و التكرار. و على أساس هذا التقسيم قمنا بدراسة ميزات شعر أدونيس الفنيّة. سبب اختيار هذه الموارد الخمسة كمادة البحث في القسم الثاني يرجع إلى كثرة تواتر هذه الموارد في شعر أدونيس بالنسبة إلى بقية الميزات.

و أخيراً أعتزف أنّ ما قدمته في هذه الرسالة، لم تكن سوى بداية تجربة و فاتحة طريق نحو رؤية أكثر شمولاً و كمالاً تتسع خطواتها الفنية و تمتد منها الدروب النقدية المثمرة؛ لتفتح آفاقاً أبعد على عالم شعر أدونيس. طبعاً يبقى مجال البحث في الحبّ خصباً إلى الأبد. و لا ندعي القدرة على الوصول إلى الهدف النقدي المطلوب، لكننا حاولنا الاسهام في هذا السبيل. و الله الموفّق و المسدد للصواب.

## ١-٢. مسألة البحث

قديماً تزعزع الأدب في ضوء اظهار الحبّ الى المحبوب جسدياً كان أو روحياً، كما واصل الأدب طريقه أخذاً الحبّ مصدراً من أهم مصادره حيويّةً و نشاطاً في ساحة الأدب. كما نقرأ لأفلاطون في الحبّ محاوره مشهورة تسمّى المأدبة، أجرى فيها الحوار بين سقراط و بعض

معاصريه من الفلاسفة و الأطباء و الشعراء و السوفسطائيين و رجال السياسة و المحاوره تصور في مجموعها مذهب سقراط في الحب. و إن عبّر كلّ متحاور عن وجهة نظره و طبع كلامه بطوابع شخصيته الخاصة. إذن صورت المأدبة الحبّ بجميع صوره المادية و المعنوية تصويراً رائعاً، و لا نبالغ إذا قلنا إنّ جلّ ما قاله مفكرو العرب و متفلسفتهم في الحبّ نجده صدى واضحاً لما دار في هذه المأدبة و ما قاله أفلاطون في «الجمهورية» عن صورته الثلاثة: الجسدي و الروحي و المثالي (ضيف، ١٩٩٩: ٩). من هذا البيان الموجز حول تاريخ الحبّ يتضح أنّ الحبّ كان يتمتع بمكانة عالية عند الأسلاف و عليه تظهر أهمية هذا البحث في العلوم المختلفة، منها أهمية الحبّ في الفلسفة و الأدب.

و كان العرب قد شغلوا بالحب و الحديث عنه كما شغل اليونان الأقدمون. فقد عرف المجتمع الجاهلي طائفة من الشعراء العشاق أطلق عليهم الرواة «المتيمين»، و ربطوا بين كل واحد منهم و صاحبه له، عُرف بها، و عاش لها. و من أجل هذا يتردد بعض النقاد حول تاريخية الغزل في الأدب العربي حيث يعتقدون أنّ هذا النوع من الغزل كان في الجاهلية موجوداً (خليفة، لا تا: ٩) لكن الغزل كجنس من الأجناس الأدبية لم يكن موجوداً و إنما هناك أبيات معدودة في التغزل و التشبيب. و بهذه الطريقة انعكس الحبّ في جميع صور الحياة خاصّة في عالم الشعر و الأدب.

شهد الأدب العربي مرحلة النضوج الفنّي و الإستقرار الواعي على يد كبار من الشعراء كسعيد عقل و نزار قبّاني و أدباء كقاسم أمين و جبران خليل جبران و ولي الدين يكن و غيرهم الذين أجمعوا جميعهم على المطالبة بتحرير المرأة و إطلاق جناحيها. يقول نزار قبّاني في هذا المجال: «و الحبّ في بلادنا عمليّة تهريب مادة مخدّرة محظورة علينا التعامل بها. و مهمّتي إعادة اعتبار الحبّ. إعادته إلى الحالة الشرعيّة لأنّه طفل غير شرعي و غير معترف به، و إنقاذه من سكاكين الزّير و أبو زيد الهلالي الذي لا يزال موجوداً في كلّ مدينة عربية و في كلّ منزل عربي من المحيط إلى الخليج» (الفاخوري، ١٣٨٠، ج١: ٦٨٨). من هذا القول يتضح كيف كان يتعامل هؤلاء الشعراء مع قضية المرأة. و لا شك أنّ قضية المرأة عند هؤلاء كان الفكر الأول و الأخير. كما كان الشأن في أدب نزار قبّاني و قاسم أمين.



أما في الأدب المعاصر، فالشعر لم يزل ساحة واسعة لإنشاء أجمل القصائد في مجال الحبّ. ففي الأدب العربي الحديث وقف شعراء حياتهم على التغني ببدايع الحسن و روائع الجمال، و عاشوا تجارب الحبّ بكلّ ألوانه من وصال و هجر، و فراق و حنين، و دموع و ضحكات، و عبّروا عن مشاعرهم و أحاسيسهم الوجدانية بكلّ صدق و حرارة و أمانة. و كان أكثر شعراء الحبّ الذين أتسعوا بالصدق هم شعراء الرومانسية الذين اشتعل وجدانهم حباً و عشقاً، فملأوا الدنيا غناء و تشبيهاً، و من بينهم نخبة من الشعراء الذين ظهروا مع جماعة أبولو، و نشروا في مجلة أبولو قصائدهم و من أبرزهم على محمود طه، و إبراهيم ناجي، و صالح جودت، و أحمد فتحي (رضوان، ١٩٩٩: ٢).

ثمّ نواجه جيلاً آخراً من الشعراء كتوفيق الصائغ، و محمد الفيتوري، و محمد الماغوط، و أنسي الحاج، و أدونيس الذين عالجوا قضية الحبّ في العالم العربي. أدونيس شاعر حدائثي و لغته في شعره تختلف عن لغة الآخرين. كما أنّ رؤيته و مناهل فكره مختلف عما كان معهوداً عند الآخرين؛ و هذا هو السبب الرئيسي الذي يدلّ على ضرورة دراسة قضية الحبّ في شعره.

ولد علي أحمد سعيد «أدونيس» عام ١٩٣٠م في أسرة فلاحية فقيرة في قرية «قصابين» من محافظة اللاذقية. لم يعرف مدرسة نظامية قبل الثالثة عشرة من عمره، لكنه حفظ القرآن على يد أبيه، كما حفظ عدداً كبيراً من قصائد القدامى. في ربيع ١٩٤٤، ألقى قصيدة وطنية من شعره أمام الرئيس السوري شكري القوتلي حينذاك، و الذي كان في زيارة للمنطقة. نالت قصيدته الإعجاب، فأرسلته الدولة إلى المدرسة العلمانية الفرنسية في «طرطوس» (الخير، ٢٠١٠: ٨). أدونيس لقب اتّخذ منذ عام ١٩٤٨ نسبةً إلى إله الخصب عند اليونان. وهي التسمية اليونانية لـ«أدون» التي تعني السيد في اللغة العبرية و هي صورة أخرى للتموّز العراقي، أقيمت عبادته في سورية منذ آلاف السنين و سمّي بأسماء مختلفة فهو «حَدَد» و «بعل» و «أدون». أيضاً ورد اسمه في التوراة تحت اسم تمّوز (أيينه وند و نصرالله، ٢٠٠٦: ٢).

فقطع مراحل الدراسة ففزأ و تخرّج من الجامعة مجازاً في الفلسفة ثمّ التحق بالخدمة العسكرية عام ١٩٥٤ و قضى منها سنة في السجن بلا محاكمة بسبب انتمائه - وقتذاك - للحزب

السوري القومي الاجتماعي الذي تركه عام ١٩٦٠م. غادر سوريا إلى لبنان عام ١٩٥٦م حيثُ التقى بالشاعر يوسف الخال و أصدر معاً مجلة «شعر» في مطلع عام ١٩٧٥م. ثمّ أصدر أدونيس مجلة «مواقف» عام ١٩٦٨م. درس في الجامعة اللبنانية و نال دكتوراه الدولة في الأدب عام ١٩٧٣م و أثارت أطروحته «الثابت والمتحول» سجالاتاً طويلاً. بدايةً من عام ١٩٨١م تكررت دعوته كأستاذ زائر إلى الجامعات و مراكز للبحث في فرنسا و سويسرا و أمريكا و ألمانيا. تلقى عدداً من الجوائز اللبنانية و العالمية و ألقاب التكريم. ترجمت أعماله إلى ثلاث عشرة لغة. غادر بيروت في ١٩٨٥م متوجهاً إلى باريس بسبب ظروف الحرب هناك.

ببيلوغرافيا كتب أدونيس الشعرية:

قالت الأرض ١٩٤٥م.

قصائد أولى، ١٩٥٧م.

أوراق في الريح ١٩٥٨م.

أغاني مهيار الدمشقي، ١٩٦١م- هذا الديوان قد ترجم إلى الفرنسية و الإسبانية.

كتاب تحولات و الهجرة في أقاليم النهار و الليل، ١٩٦٥م- هذا الكتاب قد ترجم إلى

الفرنسية(عرب، ١٣٨٣: ١٣).

المسرح و المرايا ١٩٦٨م.

وقت بين الرماد و الورد ١٩٧٠م.

مفرد بصيغة الجمع ١٩٧٦م.

كتاب القصائد الخمس ١٩٧٩م.

هذا هو اسمي، ١٩٨٠م.

كتاب الحصار ١٩٨٥م.

شهوة تتقدم في خرائط المادة ١٩٨٧م.

احتفاء بالأشياء الغامضة الواضحة، ١٩٨٨م.

أبجدية ثانية، ١٩٩٤م.

الكتاب أمس المكان الآن ١٩٩٥م (الخير، ٢٠١٠: ١٦؛ بومسهولي، ١٩٩٨: ١٣٥-١٣٦).

أدونيس شاعرٌ فيلسوفٌ، شاعر الأشياء الحيّة. نَهَلَ من التراث العربيّ ثمّ أعطاه شيئاً من ذاته. ألحّ أدونيس على الناحية السحرية حتّى أصبح العالمُ كلُّه عنده سحراً، فشعره يمثّلُ الشعرَ العربيّ الكلاسيكيّ من حيثُ ارتباطه بالأساليب العربيّة القديمة من أبي تمامٍ و المتنبّي و قصص ألف ليلة و ليلة، و هو جديّد بروحه و نبرته و توهُمه و نظريته إلى الحياة و الكون، إنّها نظرة التعرّف و التردّد و التحوّل إلى القلق (الضاوي، ١٣٨٤: ١٠؛ فرزاد، ١٣٩٠: ١٥٥).

في البداية كان أدونيس في طريقه الشعري متأثراً بيوسف الخال و سعيد عقل، لكنّه سرعان ما تخلّص من قبضتهما حتّى أصبح ظاهرة متميّزة في الشعر العربي، بل أحد مهندسي القصيدة الحديثة، و لا غرابة إذا كان مصاباً بحالة من النرجسية، لأنّه يعتبر نفسه الصوت الأول على خارطة الشعر الحديث، و لا يغفر لأحد أن ينفي عنه هذا الشرف و هذه الريادة. إذن يعتبر أدونيس في طليعة الشعراء العرب، إن لم نقل الرائد الأول، الذين طوّروا الشعر العربي المعاصر، من حيث الشكل و اللغة و المضمون. و هو يرى أن القصيدة ينبغي أن ترفع إلى حدود الرؤيا الكونية الخالصة و أنّ مهمة الشعر هي الكشف عن الأسرار و خلق حالة تتجاوز التناقضات. شعره شعر الدهشة و الإبهار و الصورة المبتكرة، و كثافة الكلمة و عمق الفكرة، و استخدام الأسطورة و الرموز الصوفية و في هذا الصدد يقول أدونيس: «إنّ اللغة الصوفية هي تحديداً، لغة شعرية، و إنّ شعرية هذه اللغة تتمثّل في أنّ كلّ شيء فيها يبدو رمزاً: كلّ شيء فيها هو ذاته و شيء آخر. و الحبيبة، مثلاً، هي نفسها، و هي الورد، أو الخمرة، أو الماء، إنّها صور الكون و تجلياته» (الخير، ٢٠١٠: ١١).

و الشعر بالنسبة لأدونيس مغامرة أنطولوجية<sup>١</sup> يدخل الشاعر من خلالها إلى عالم متعدد الأبعاد، تضحى فيه الذات تمارس كينونتها كامتداد لاستمرارية الوجود الإنساني (بومسهولي، ١٩٩٨: ١٤). و من هنا يبدو لنا أنّ أدونيس هو صاحب لغة العصف و الكشف و الإختراق و

<sup>١</sup> . معرفة العالم

صاحب لغته الشعرية الخاصة التي اكتسب فيها و عبّر ها كلّ من الرمز، و الصورة الشعرية، و الإيقاع، و البناء، السمات الفنيّة الخاصة بما سمّاه النقاد: «لغة أدونيس الشعرية» (درويش، ١٩٩٧: ٦٢). و من المظاهر المختلفة في لغة أدونيس الشعرية يمكن الإشارة إلى لغة الحبّ. هنا نشير إلى نماذج من شعر أدونيس الحبية.

فالشباب فردوس قلّ نظيره من القوّة و الحبّ و المبالغة و الفرحة الأقصى إلى حدّ الطيش. لذلك تظهر صورة الحبّ مشرقة عند أدونيس في عهد الشباب، على سبيل المثال في قصيدة «لغة السكون و الحلم»، يتحدّث الشاعر عن المرأة التي تعادل الحياة، أو التي تعطي الحياة و هو من أجمل تصوّرات التي تنسب إلى الأنثى «الخالقة» (نعوم طنوس، ٢٠٠٩: ٢٤٢). و على الجملة، فإنّ الحبّ في «قصائده الأولى» حبّ الحياة و الفرحة.

حين التحدّث عن الحبّ لنراجع رؤية الشاعر حول الجنس. و في ردّ الشاعر عن سؤال في تعامله مع الجنس في شعره قال: «الجنس في جوهره عودة إلى الوحدة، الإنسان منفصل، و هو يتوق إلى الإتصال، سواء مع المرأة، أو مع الأرض. الجنس هو الإتصال، هو الوحدة. و من هنا يتحدّ الموت بالجنس» (الخير، ٢٠١٠: ١٢). يقول أدونيس:

«سَكَنْتُ وَجْهَهَا

سَكَنْتُ فِي نَخِيلٍ مِنَ الصَّمْتِ بَيْنَ رِوَاها وَ أَجْفَانِها

بِيئْها شَارِدٌ

فِي قَطِيعِ الرِّياحِ، وَ أَيامِها

سَعَفًا<sup>١</sup> يابِسًا

وَ رَمالًا<sup>٢</sup>

١. أغصان النخلة

٢. التمر